

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

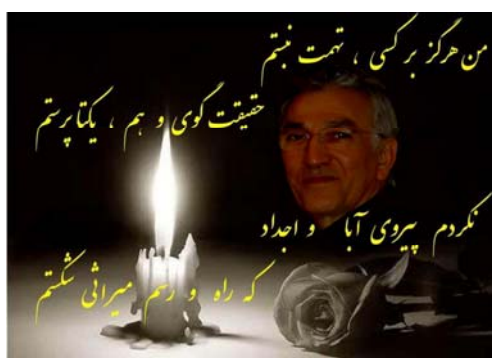
afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده

۲۴ می ۲۰۱۸



پشتو درانی

گلبدین بیحیا، دری زبانی می کُنه
تفرقه انداز اعصار و پلیدِ قرن ها
از سیاست استفاده، کرده رفته، در هرات
یوسف سرخه به یادش آمده، گردیده مست
لیک داده با کرنکارِ کریم، اعلانِ جنگ
پیروانش جا گرفته در امورِ دولتی
نوکران و چاکرانش چون خودش بی آبرو
این اجیرِ اجنبی، راکت پرانِ بی وقار
حیفِ آن کفشی که گشته پَرت، سوی این پلید
ریش او را آخته باید در موادِ غایطه
چَپَه او را برسَرِ خر سوار و هر سوبش کشاند
دخترانش واسطه در خدمتِ آقا تر مپ
چونکه هردو نطفه مردارِ امریکائی اند
این سیاستهای نافرجام انگلیس و عرب
در حقیقت کس نداند چیستِ پشتِ پرده ها

فارسی گپ می زَنه، پشتو درانی می کُنه
سازکی بنموده، کار اردوغانی می کُنه
شاخ گاو را دیده و خشک تکانی می کُنه
غنچه هایش گل کده، یادِ جوانی می کُنه
پشتِ پرده با تر مپ، آن کارکانی می کُنه
هرچه را خواهد دلش، فوری و آنی می کُنه
پشتیبانی هریک از ابلیس ثانی می کُنه
بر سرش شیطان سوار و خردوانی می کُنه
هر نجاست ننگ، زین مفعولِ دانی می کُنه
در دهانش بَولِ راه، تا نوش جانی می کُنه
گردنش را طوقِ لعنتِ شَعشَعانی می کُنه
پاک از لیستِ سیاه، تا نام زانی می کُنه
زان سبب بانِدِ سیازو، پشتیبانی می کُنه
تا ابد در کشورِ ما پهلوانی می کُنه
دین و مذهب با سیاست ماچکانی می کُنه

این تجارت بُقچه گردیده به چلتارِ عرب خامهٔ تدبیر، خرقش، ناگهانی می کُنه
گلبدین را از کجا ها تا کجا ها برده اند «نعمت» اشعار یک یک یادمانی می کُنه

(۱) **پشتو درلونی**
کلبدین بی جا، درس زبانی می کُنه
فارسی کپ می زنه، پشتو درلونی می کُنه
تفرقه لندوز و عصار و، پلید قرن ها
سازگی بنموده، کار (وردو عنانی) می کُنه
وزیاست، استقاده کرده رفته، در هرلوت
شاخ گاو را دیده و، خشک تکانی می کُنه
(یوسف سُرخه) به یادش آمده، گردیده مست
عنسچ هایش کل کده، یاد جولونی می کُنه
لیک دوده با (کرنگار کریم)، وعلان جنگ
پشت پرده با ترامپ، آن کارکانی می کُنه

پیسروانش جا گرفته ، در لومور دولتی (۲)
 هر چه رو خواهد دلش ، فورسروانی میکند
 نوکران و چاکرانش چون خوش بی لبرو
 پشتیبانی هر یک از بلیس ثانی می کند
 این وحی رحیمی ، روکت پران بی وقار
 بر سرش شیطان سوار و خردولانی می کند
 حیف آن کنشی که کشته پرت سور این پلید
 هر نجاست ننگ ، زین مفعول دلانی می کند
 ریش لور رو لخته باید در مولود عنایط
 در دهانش بول رو ، تا نوش جانی می کند
 چه لور بر سر خر سوار و هر سویش کشاند
 گردنش رو طوق لعنت شعثانی می کند

د خسترونش ولسطه در خدمتِ لوقا ترولمپ (۳)
 پاک از لیست سیاه ، تا نام زانی می کُنه
 چونکه هر دو ، نطفهء مُردلار لومریکایی لند
 زلن سبب باند (سیا) زو پشیمانی می کُنه
 لاین سیاستهار نافر جام لولکلیس و عرب
 تا لوبد در کشور ما ، پهلوانی می کُنه
 در حقیقت کس نلند ، چیت پشت پرده ها
 دین و مذهب ، با سیاست باچکانی می کُنه
 لاین تجارت بقیچه گردیده ، به چلتار عرب
 خامهء تدبیر خرفتش ، ناگهانی می کُنه
 کلبدین رو وز کجاء ، تا کجاء برده لند
 « نعمت » لشار ، یک یک ، یادمانی می کُنه